

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۶۳	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۲/۲۵
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان فرعی ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان فرعی ۵	تأمین امنیت			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

بحث در اصول سیاست داخلی بود و گفتیم اصل چهارم، اصل برابری مردم در حقوق شهروندی است و حقوق شهروندی را تعریف کردیم و اقسام آن را نیز بیان کردیم و گفتیم اولین حق از حقوق شهروندی، حق امنیت است و دلیل بر اینکه این حق از حقوقی است که در نظام اسلامی برای عامه شهروندان نظام اسلامی به عنوان یک حق مطرح است، ادله متعددی وجود دارد که در جلسه قبل به برخی از این ادله اشاره کردیم و به برخی از خطبه‌های نهج البلاغه اشاره کردیم؛ خطبه ۴۰، خطبه ۱۳۱ و همچنین به مقاطعی از عهد مالک اشتر اشاره کردیم؛ امروز به چند دلیل دیگر نیز اشاره می‌کنیم؛ از جمله این خطبه‌های امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه که حضرت در این خطبه در ذکر اصحاب جمل می‌فرماید:

«فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَمَا تَجْرُ الْأَمَّةُ عِنْدَ شَرَائِهَا مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصَرَةِ فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَهُمَا وَلَعَايِرُهُمَا فِي جَيْشٍ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَانِي الطَّاعَةَ وَسَمَحَ لِي بِالْبَيْعَةِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرِهٍ فَقَدِمُوا عَلَيَّ بِهَا وَخُزَانِيَّتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِهَا فَفَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا وَطَائِفَةً غَدْرًا فَأَوَّلَهُ [إِنْ] لَوْلَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مَعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ بِلَا جُرْمٍ جَرَّهُ لِحَلِّ لِي قَتْلِ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدٍ دَعَا مَا أَنَّهُمْ قَدْ قَتَلُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»؛

[طلحه و زبیر و یارانشان] بر من خروج کردند، و همسر رسول خدا ﷺ - عائشه - را به همراه خود می‌کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می‌برند، به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگهداشته، اما پرده نشین حرم پیامبر ﷺ را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. لشکری را گرد آوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده، و بدون اکراه، و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند، پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمین، و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه و گروه دیگر را با حيله کشتند. به خدا سوگند، اگر جز به یک نفر دست نمی‌یافتند و او را عمدا بدون گناه می‌کشتند کشتار همه آنها برای من حلال بود، زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند، و از مظلوم با دست و زبان دفاع نکردند، چه رسد به اینکه ناکثین به تعداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.

شاهد ما در این خطبه، این مطلب است که می‌فرماید اگر بیش از یک نفر نیز نکشته بودند، قتل تمام آن لشکر جایز می‌شد. امنیتی که در اسلام باید تأمین شود چنین است که اگر جمعیتی بخواهند امنیت جامعه اسلامی را - ولو با کشتن یک نفر - تهدید کنند، با آنها این چنین برخورد می‌شود زیرا: «إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا وَ لَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ»؛ حتی آنهایی که در کشتن شریک نیستند نیز مستحق کشته شدن هستند به این دلیل که آنها در این لشکر حضور پیدا کردند و از مظلومینی که به وسیله افرادی از این لشکر کشته شدند دفاع نکردند؛ معنایش این است که دفاع از آن [مظلومین] واجب بوده است و حفظ امنیت آنها واجب بوده است. [بنابراین دو مقطع از روایت شاهد ماست:] یکی خود اینکه اگر آنها یک نفر کشتند، با کشتن یک نفر، تمام آنها مستحق کشته شدن هستند و دیگری اینکه از روایت استفاده می‌شود که بر آن کسانی که در این قتل، مباشرت به قتل نداشتند واجب بود که از کسانی که کشته شدند با دست و زبان دفاع کنند، و این معنایش این است که حفظ امنیت مؤمن بر سایر مؤمنین در نظام اسلامی واجب است.

همچنین خطبه ۲۷ نهج البلاغه که مرحوم شریف رضی در ابتدای این خطبه می‌فرماید:

«من خطبة له عليه السلام وقد قالها يستنهض بها الناس حين ورد خبر غزو الأنبار بجيش معاوية فلم ينهضوا»

وقتی خبر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار [در سال ۳۸ هجری]، و سستی مردم آنجا از اینکه از خود دفاع کنند به امام ابلاغ شد فرمود:

حضرت در ضمن خطبه چنین فرمود:

«وَهَذَا أَخُو غَامِدٍ [و] قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَقَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَأَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَاحِلِهَا وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَرِعُ

جَلَّهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُعْثَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْ حَامِئُ ثُمَّ أَنْصَرَ فَوَافِرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَأَمْ وَلَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا»

و اینک، فرمانده معاویه، (مرد غامدی)^۱ با لشکرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من، «حسان بن حسان بکری» را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده، و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند. لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند بدون این که حتی یک نفر آنان، زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است!

شاهد ما این است که حضرت در برابر ایجاد ناامنی چنین موضع گرفته و کسانی که آمدند و امنیت مردم را نه تنها امنیت مسلمانان را بلکه امنیت غیر مسلمان‌هایی که شهروند نظام اسلامی بودند را سلب کردند، حضرت می‌فرماید اگر انسان قالب تهی کند، بجاست. این بدان معناست که تأمین چنین امنیتی بر تمام مردم در نظام اسلامی واجب است و لذا حضرت اینچنین در برابر این مطل موضع می‌گیرد. همچنین حضرت در خطبه دیگری نیز به این مطلب اشاره دارد:

«الْفَرَائِضُ الْفَرَائِضُ أَذُوها إِلَى اللَّهِ تُؤَدُّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ وَأَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَذْخُولٍ وَفَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا وَشَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَالتَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ؛ بَادِرُوا أَمْرَ الْعَامَّةِ وَخَاصَّةً أَحَدِكُمْ وَهُوَ الْمَوْتُ فَإِنَّ النَّاسَ أَمَامَكُمْ وَإِنَّ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ تَحَقَّقُوا تَلَحُّفُوا فَإِنَّمَا يَنْتَظِرُ بَأْوَلَكُمْ آخِرُكُمْ؛ اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ [وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ وَإِذَا رَأَيْتُمْ الْخَيْرَ فَخُذُوا بِهِ وَإِذَا رَأَيْتُمُ الشَّرَّ فَأَعْرِضُوا عَنْهُ]»^۲

واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند، همانا خداوند چیزهایی را حرام کرده که ناشناخته نیست، و چیزهایی را حلال کرده که از عیب خالی است، و در این میان حرمت مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید استوار

۱. سفیان بن عوف غامدی، از سرداران معاویه و اهل یمن بود، غامد نام قبیله‌ای در یمن است.

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۷.

کرد. پس مسلمان کسی است که از مسلمانان از زبان و دست او آزاری نینند، مگر آنجا که حق باشد، و آزار مسلمان روا نیست جز در آنچه که واجب باشد [که اگر مسلمانی مرتکب تعدی و جرمی شد، در آنها کیفر معین وجود دارد]. به سوی مرگ که همگانی است، و فرد فرد شما را از آن گریزی نیست بشتابید، همانا مردم در پیش روی شما می‌روند، و قیامت از پشت سر، شما را می‌خواند. سبکبار شوید تا به قافله برسید، که پیش رفتگان در انتظار باز ماندگانشانند. از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش بترسید، و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، و شهرها، و خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز مدارید، اگر خیری دیدید برگزینید، و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید.

مسلمان، حرمت دارد و همین که حرمت دارد، یعنی امنیت دارد، یعنی آسیب رساندن به جان و مال و عرض او حرام است. و اینکه حضرت می‌فرماید: «مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»، معنای امنیت همین است. البته در روایاتی که بعداً بیان خواهیم کرد توضیح خواهیم داد که تمام آنچه برای مسلمان در نظام اسلامی ثابت است، برای غیر مسلمانی که شهروند دولت اسلامی باشد نیز ثابت است.

و بعد که حضرت می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ» تقوای خدا را در بندگان خدا و در بلاد خدا را رعایت کنید؛ یعنی در عباد و بلاد، تعدی از حقوق الهی نکنید. و بعد حضرت می‌فرماید بقاع و بهائم نیز امنیت دارند؛ این بهائم شامل تمام حیات وحش می‌شود. این کسانی که بحث حیات وحش را مطرح می‌کنند، از این روایت استفاده می‌شود که حیات وحش نیز باید نگهداری شود؛ بلکه اگر یک حیوان وحشی بخواهد آزار برساند، جلوی آن را می‌گیرند و اگر لازم باشد و اگر بخواهد امنیت مردم را تهدید کند، آن را نابود می‌کنند؛ اما آن حیوانی که به زندگی خودش مشغول است و آزاری برای کسی ندارد، حفظ حیات آن حیوان واجب است: «فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ».